

مغز که پردازش احساسات و هنجارهای اجتماعی را انجام می دهد. هنگامی که همکاری ضعیف شده یا دچار تزلزل می شود و سرمایه گذاری طرفین روی موضوع کاهش می یابد، افراد اغلب به همکاری با ایجاد حرکات آشتی جویانه که یک طرفه است روی می آورند با وجود این که این ریسک وجود دارد که این پیشنهاد سخاوتمندانه از سوی طرف مقابل به شکل مناسب پاسخ نگیرد. انسان ها از حرکات گروهی و تعاونی به عنوان یک ابزار برای مدیریت نسبت تعادل حساس بین منافع شخصی و همکاری های جمعی استفاده می کنند.

انتخاب حسن روحانی در سال ۲۰۱۳ بازتاب دهنده آرزوی مردم ایران برای سازش با اقتضائات بود، پس از حدود ۸ سال خصومت بی وقفه با غرب. در حالی که اراده ایران در دوران احمدی نژاد پشت ایده مقاومت متمرکز بود اما در تبلیغات انتخاباتی ایران، روحانی عملکردی بیشتری نسبت به رقبای ایدئولوژیک خود به خرج داد و در یک مناظره تلویزیونی گفت که «این خوب است که سانسور فیلوژها پیر خدا از ندگی و میشت مردم نیز باید پیر خدا.»

خلاصه این که «علم عصب شناسی» اثبات می کند که همکاری و هماهنگی امری طبیعی است؛ چیزی که در روابط تهران و آمریکا کم رنگ بوده است.

درس چهارم: اقدامات آشتی جویانه ناکهانی

و غیر مترقبه موثرتر است

مکانیسم های عصبی پنهان در درای حرکات آشتی جویانه آن ها را غیرمنتظره تر و البته موثرتر می کند. اما چرا؟ بیشتر پاداش و مجازات های غیرمنتظره تاثیرشان بیشتر از وقتی است که یک اتفاق تحت تصمیم گیری ما انجام شود. براساس آزمایش های مختلف مغزی که انجام شده این موضوع اثبات شده است که مغز انسان دارای یک سامانه پیشرفته برای محاسبه اختلاف میان اتفاقاتی است که انتظار وقوع شان را داریم و آن اتفاقاتی که انتظار وقوع شان را نداریم. در سال ۲۰۰۹ که اواما تازه بر سر کار آمده بود یک پیام ویدئویی غیرمنتظره برای مردم ایران و رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران فرستاد. او این کار را با نوشتن ۲ نامه خصوصی بی سابقه به (آیت...) خامنه ای ادامه داد و به دنبال آن بود تا نشان دهد که می خواهد روابط جدیدی با ایران داشته باشد. ۴ سال بعد در یک دیپلماسی توثیقی غیرمنتظره شاهد تغییر لحن مباحث سیاست خارجی آمریکا در باره ایران بودیم. ناگهان دیدیم که ما دیگر در آستانه جنگ با ایران نیستیم بلکه در آستانه دستیابی به موفقیت دیپلماتیک قرار گرفته ایم اما نه بالفعل بلکه بالقوه. تماس تلفنی بی سابقه اواما و روحانی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۳ این انتظارات را بالا برد و حتی بیشتر از آن اعتماد به نفس را در هر دو کشور برای تحول دیپلماسی افزایش داد.



برای برخی از سیاستمداران واشنگتن نیز شرایط همین طور است. از دید آن ها ایرانی ها کسانی هستند که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) آمریکایی ها را گروهان گرفته اند و از مخالفان آمریکا در عراق و لبنان حمایت کرده و می کنند. یک ژنرال سابق آمریکایی در منطقه خاور میانه اخیرا این حس آمریکایی ها را به زبان آورده و وقتی از او سوال شد که آیا مایل است که در یک جلسه با حضور [سرلشکر] قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران حضور داشته باشد پاسخ داد: «البته که نه... او یک تروریست است!» این نمونه را می توان رنگی از واقعیتی دانست که در احساسات دو طرف نسبت به هم وجود دارد.

در حالی که مقامات آمریکایی و ایرانی به تازگی برای غلبه بر این خصومت تلاش می کنند، خصومت میان تهران و تل آویو بسیار سخت شده و در حال بالا گرفتن است. از زمان پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، نفی موجودیت اسرائیل یکی از موضوعات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بوده است. تهران میلیاردها دلار برای حمایت از گروه هایی مانند حزب الله و جهاد اسلامی هزینه کرده است و محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق این کشور معروف ترین کسی بود که در باره هولوکاست سوالاتی پرسیده بود.

از دیدگاه اسرائیل، ایران یک حکومت دینی متعصب است که گفته هدفش نابودی دولت یهودی است. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل در ایران با نازی ها و هیتلر مقایسه می شود که نسل کشی می کند. کسانی که نزدیک به نتانیاهو هستند می گویند که او خودش را به عنوان محافظ قوم یهود می بیند، طبیعتا در چنین مقامی، او می خواهد در مقابل کشوری که موجودیت اسرائیل را تهدید کرده بایستد و اجازه ندهد که آن کشور توانایی ساخت سلاح هسته ای داشته باشد. هر دو هم سعی می کنند در مقابل یکدیگر خود را مظلوم نشان دهند. ایران می گوید در مقابل زرادخانه های هسته ای گسترده اسرائیل قرار دارد و به همین دلیل اسرائیل را جالوت خود می داند اما اسرائیل هم که ۸۰ برابر کوچکتر از ایران است، ایران را جالوت خود معرفی می کند. وقتی در یک درگیری هر دو طرف خود را محق عدالت می دانند آنگاه کنار آمدن غیرممکن به نظر برسد.

درس سوم: ژست های آشتی جویانه طبیعی است

در حالی که رعایت کردن عدالت ممکن است به اختلاف دامن بزند اما این درگیری ها میان دو طرف مدعی تازمانی ادامه پیدا می کند که یک طرف دعوا تسلیم شود. آزمایش نشان می دهد که انسان ها این طور نیستند که کاملا خود را در رقابت با دیگران ببینند یا خودبین باشند، بلکه نسبتا میل به همکاری دارند. مکانیسم های عصبی که باعث آغاز همکاری و ادامه آن می شود در بسیاری از مطالعات و تصویربرداری هایی که روی مغز انجام شده دیده شده است. مکانیسم هایی که شامل قشر عایق قدامی است، منطقه ای از

تجربه های آزمایشگاهی در بیش از ۳ دهه گذشته نشان می دهد که انسان ها آماده مقابله بایی عدالتی هستند، حتی با وجود صرف هزینه های سنگین و گزاف. این اصل پایه بحث بیولوژیکی (زیست شناسی) این مقاله است.

ساخته اند اما مورد قبول جامعه بین المللی هستند در حالی که ایران با وجود امضا کردن «ان بی تی» در جامعه جهانی تحت فشار است؟ آیا اسرائیل که بیشتر از ۱۰۰ سلاح هسته ای دارد می تواند حرف از جاه طلبی هسته ای ایران بزند؟ ممکن است ما با احساسات ایرانیان موافق نباشیم، اما «علم عصب شناسی» به ما اثبات می کند که باید این نکته را در نظر بگیریم که مقابله با بی عدالتی حتی با صرف هزینه های سنگین مهم ترین انگیزه آن ها (ایرانی ها) است.

درس دوم، تراژدی «هگلی» درباره عدالت

«علم عصب شناسی» همچنین به ما می گوید که برداشت انسان ها از مفهوم «عدالت» مختلف و به شدت انتزاعی است. این را می شود با به کار بردن همان بازی «اتمام حجت» که در بالا آن را شرح دادیم ثابت کنیم. مثلا با پیشنهاد دادن نسبت ۷ و ۳ دلار به جای ۹ و یک دلار. قضاوت دو گانه که با عدالت سازگار نباشد، حتی ممکن است تقابل میان دو بازیگر را به شدت به خطر بیندازد. تصویربرداری از مغز نشان می دهد که تجربه ذهنی (انتزاعی) از عدالت، که می تواند به این گونه قضاوت های دو گانه ناسازگار منجر شود، در فعالیت های مغز افراد کد گذاری شده است. چرا تجربه ذهنی (انتزاعی) از عدالت مهم است؟ این موضوع می تواند به نوعی با تراژدی فیلسوف آلمانی «جورج هگل» ارتباط داشته باشد که در یک داستان حماسی یونان باستان تعریف می شود و در آن هیچ یک از دو مدعی، معزف خیانت ناب نشده و هر دو طرف در ادعاهای خود تا حدی محق اند.

امروزه مناقشه های جاری میان ایران و آمریکا و کشمکش ایران و اسرائیل در فضای تراژدی هگلی قابل فهم است. در مغز مقامات ایران فهرستی از بی عدالتی های آمریکا وجود دارد؛ کمک و پشتیبانی از صدام در جریان جنگ عراق و ایران با وجود اینکه می دانستند صدام از سلاح های شیمیایی استفاده می کند، حمله به ایرباس غیر نظامی ایرانی که به کشته شدن حدود ۳۰۰ نفر انجامید و سایر طرح ها برای براندازی انقلاب اسلامی.

